انترناسیونال ٧٣٦

اصغر کریمی

**کارگران و تشکلیابی حزبی**

اهمیت تحزب و تشکلیابی حزبی کارگران تم اصلی پلنوم ٤٧ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری بود که روزهای ۲۱ و ۲۲ اکتبر ۲۰۱۷ (۲۹ و ۳۰ مهرماه ۱۳۹۶) برگزار شد. نکته محوری سخنرانی افتتاحیه حمید تقوائی و بخشی از مباحث پلنوم درمورد اهمیت تحزب و تشکلیابی حزبی کارگران در شرایط حاضر بود. در گزارش اصغر کریمی رئیس هئیت اجرایی حزب نیز به گسترش نفوذ حزب در جامعه و در میان فعالین کارگری و فعالین اعتراضات اجتماعی و زمینه های مساعد برای گسترش آن تاکید شد. در این زمینه پرسش هایی را با اصغر کریمی در میان می گذاریم.

**انترناسیونال:** چرا موضوع تحزب کارگران در این مقطع چنین اهمیتی پیدا کرده است؟ چه شرایطی تغییر کرده است و چه عواملی باعث شده است که اکنون حزب بر این مساله تاکید بگذارد؟ حزب پیوسته کارگران را به عضویت در صفوف خود فرا خوانده است. آیا این موضوع ادامه همان فراخوان تا کنونی حزب است؟

**اصغر کریمی:**برای ما مساله تحزب کارگران همیشه از اهمیت ویژه برخوردار بوده است. کارگران بدون یک حزب سیاسی که اهداف طبقاتی آنها را در مقابل طبقات و جنبش های طبقات دیگر نمایندگی کند به پیروزی نمیرسند و ساختن جامعه سوسیالیستی بدون حزب سیاسی طبقه کارگر عملی نیست. به این معنی این مساله از لحظه تشکیل حزب تا کنون همیشه در محور توجه ما بوده است. دلایل تاکید ویژه نشست کمیته مرکزی به این مساله، ناشی از تغییراتی است که در جنبش هایحق طلبانه و مشخصا در جنبش کارگری، در رشد فضای سرنگونی و همینطور در موقعیت حزب بوجود آمده است که به این سه عامل اشاره میکنم. اول اینکه اعتراضات وسیعا گسترش یافته، تعرضی تر و سیاسی تر شده و فضای چپ تری نسبت به گذشته در اعتراضات شکل گرفته است. در میان نسل جوان نیز روی آوری به کمونیسم بیشتر شده است. و این روندی عمیق و پایدار و در عین حال کاملا طبیعی است. زمانی که اعتراضات وسعت میگیرد فضای چپ هم در صورتی که یک گرایش چپ یا حزب بانفوذ و دخالتگر کمونیستی وجود داشته باشد، رشد میکند و در نتیجه توجه به حزب و مساله تحزب هم بیشتر میشود. این اتفاق در یکی دو سال گذشته بطور مشهودی در ایران در حال شکل گیری بوده و حزب ما یکی از سازندگان این فضای بوده است. نکته دوم مساله سرنگونی جمهوری اسلامی است که فقط جمع جبری جنبش ها نیست. جامعه به موازات رشد جنبش های اعتراضی و همبستگی بیشتر میان مردم، بسیار سیاسی تر شده و خیلی عمیق و اساسی سرنگونی را در دستور خود قرار داده است. مردم فضای سرکوب ۸۸ را کاملا پشت سر گذاشته و با اعتماد بنفس و دست پرتری به میدان آمده اند و اینبار آگاهتر، پخته تر، مجرب تر و بدرجاتی متشکل تر. در چنین فضایی اهمیت تحزب و نیاز به حزبی که مردم را در بعدی سیاسی و سراسری و فراجنبشی نمایندگی کند، در جامعه و در میان فعالین عیان تر و مبرم تر میشود.

به موازات این دو عامل، عامل مهم دیگری را هم باید اضافه کرد که موجب محوری شدن این مساله در پلنوم کمیته مرکزی شد و آن موقعیت حزب ما در جامعه و در میان فعالین است. اهداف و برنامه حزب، سیاست ها و جهتگیری های حزب، فعالیت های وسیع میدانی و تبلیغی حزب و ثبات سیاسی و رفتار مسئولانه حزب است که علیرغم دشمنی زیادی که ملی اسلامی ها و ناسیونالیست ها و حتی بخشی از چپ فرقه ای و به اصطلاح ضد امپریالیست از ما دارند و کوهی شانتاز هر روزه علیه ما راه می اندازند، بیش از پیش سرها را به طرف حزب چرخانده است و به نوبه خود به حزب زمینه داده است که گفتمان تحزب را بار دیگر و روشن تر و اجتماعی تر از همیشه به جامعه ببرد.

**انترناسیونال:**ریشه های حزب گریزی در ایران چیست؟ آیا مانع اصلی تحزب،سیاست سرکوب رژیم و امنیتی کردن اعتراضات نیست؟

**اصغر کریمی:**به یک معنی فقدان آزادی سیاسی و سرکوب عامل مهمی در ضعف سنت تحزب در ایران است. تاریخا در صد سال گذشته که مساله تحزب اساسا در ایران مطرح شده، بجز دهه بیست که بندهای حکومت شل شد، چنان جامعه تحت سرکوب و اختناق بوده که جلو هر نوع آزادی سیاسی و تشکل و بویژه جلو تشکل حزبی را گرفته است. درمورد تشکل های غیر حزبی هم این نکته تماما صادق است. به این معنی اگر تاریخا به مساله نگاه کنیم، سرکوب مانع اصلی تحزب و سازمانیابی بوده است. و این اثرات عمیقی در ذهنیت و سنت سیاسی فعالین باقی گذاشته است. به یک نرم تبدیل شده است. همینطور که اسم گذاشتن پای یک مقاله به یک نرم و سنت در چپ تبدیل شده بود. شخصیت علنی داشتن و فعالیت علنی حتی جایی مثل خارج که از سرکوب و خفقان خبری نبود تحت فشار این نرم ها و این ذهنیات صورت نمیگرفت. چپ باید مخفی میبود. ناشناس باقی می ماند و در حاشیه جامعه و در محافلی کوچک و بی نام و نشان و بی تاثیر عرض اندام میکرد. اما بخش زیادی از این نرم ها در دو دهه اخیر در هم شکسته است و من میخواهم به جرات بگویم که کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری آنرا در هم شکست و امروز سنت سیاسی دیگری، در مقیاسی اجتماعی در فضای جامعه ایران قد علم کرده است. اما این پیشروی هنوز به عرصه تحزب پا نگذاشته است. و البته باید تاکید کرد که گسترش جنبش کارگری و مبارزات توده ای کار حزب کمونیست کارگری را برای جدال با سنت های عقب مانده و شکل دادن به سنت های نوین و پیشرو در ایران ساده کرد. بدون گسترش این مبارزات و بدون توازن قوای جدیدی که به یمن این مبارزات ایجاد شده است همین درجه از سنت های نوین تا امروز عملی نمیشد.

امروز فعالین جنبش کارگری و سایر جنبش های اعتراضی تردیدی در اینکه باید حکومت را سرنگون کرد و قدرت سیاسی را گرفت ندارند. تردیدی ندارند که این جنبش ها به چهره های علنی در ابعادی هرچه بیشتر نیاز دارند و این را یک شاخص مهم موفقیت این جنبش ها میدانند. پرچم مطالبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کل جامعه را بدست گرفته اند و این عرصه را متعلق به شخصیت ها و احزاب طبقه حاکم نمیدانند. تلاش میکنند در مقیاس جامعه عرض اندام کنند. این یک پیشروی مهم و تاریخی در مبارزه طبقاتی در ایران است. اما اینها مقدمه ای بر یک پیشروی تعیین کننده در عرصه تحزب هست. طبقه کارگر و مردم معترض و آزادیخواه بدون داشتن یک حزب سیاسی که آنها را در مبارزه برای کسب قدرت سیاسی نمایندگی کند راه به جایی نمیبرند. اینجا و آنجا خواست هایی را به سرمایه داری و حکومت تحمیل میکنند اما در غیاب مبارزه برای کسب قدرت سیاسی حتی این دستاوردهای جزیی نیز ناپایدار است.

بنظر من علت اصلی شکل نگرفتن یک جنبش وسیع اجتماعی در عرصه تحزب فقدان یک سنت است که دلیل اصلی اش را توضیح دادم. بر متن این فضا است که عده ای حزب گریزی را تقدیس میکنند، به احزاب موجود بد و بیراه میگویند، جا را برای خود تنگ میبینند، و عملا نقشی ارتجاعی ایفا میکنند. اما این یک گرایش وسیع نیست. در حاشیه است و بشدت غیر مسئول و با شکل گیری یک گفتمان وسیع حول ضرورت تحزب، محلی از اعراب نخواهد داشت.

**انترناسیونال:** در پلنوم همچنین قراری در مورد تشکلیابی حزبی کارگران به تصویب رسید که در آن بر مبارزه با حزب گریزی و نقد گرایشاتی که فعالیت غیرحزبی و "مستقل" را فضیلت می دانند، تاکید شد. تصویب این قرار چه وظایفی را در دستور حزب و فعالین آن قرار می دهد؟

**اصغر کریمی:** قبل از هرچیز حزب تلاش میکند گفتمان وسیعی حول ضرورت تحزب به راه بیندازد، نرم ها و ذهنیات موجود را تضعیف کند و در این زمینه نیز سنت نوینی را در جنبش کارگری و در میان فعالین رادیکال جنبش های دیگر جا بیندازد. این یک نیاز مبرم جنبش کارگری است. این یک نیاز مبرم مبارزه طبقاتی است. یک نیاز مبرم کل جامعه ای است که تمام قد دارد علیه نه تنها حکومت بلکه علیه کل عقب ماندگی، مذهب، خرافه، استبداد، فساد و فقر و تبعیض و محرومیت و بیحقوقی بلند میشود. در پاسخ به سوال اول توضیح دادم که فضای اعتراضی و چپ در جنبش های کارگری و اعتراضی و موقعیت حزب بیش از هر زمان زمینه مساعدی برای پیشروی در این عرصه فراهم کرده است و ما با تمام قوا تلاش میکنیم بویژه بخش پیشرو جامعه و طیف رهبری اعتراضات را که همبسته تر و سیاسی تر و امیدوارتر از همیشه پا به میدان مبارزه گذاشته است، متوجه این حقیقت اساسی کنیم که برای عرض اندام در سطح جامعه، در سطح ماکرو و سیاسی به حزب سیاسی خود، به حزبی که خواست ها و اهداف و آمال آنان را نمایندگی کنند نیاز حیاتی دارند. باید این نکته مهم را هم در نظر داشت که علاوه بر جمهوری اسلامی که با فاکتور سرکوب تلاش میکند جلو رشد اعتراضات، سیاسی تر و متحد و متشکل شدن آنرا بگیرد، جنبش های ارتجاعی دیگری هم هستند که در تحولات سیاسی نقش دارند و هر کدام تلاش میکنند رنگ خود را به جامعه بزنند، شکاف های ملی و قومی را دامن بزنند، اهداف ارتجاعی و تاکتیک های انحرافی مقابل مردم بگذارند و عملا مبارزه مردم را به بیراهه و نهایتا به شکست بکشانند. هیچ تشکلی و هیچ نهاد و کمپین مبارزاتی جای تحزب را که امر خود را کسب قدرت سیاسی قرار داده تا با اهرم قدرت وضعیت اقتصادی و سیاسی را عوض کند، نمیگیرد.

روشن است که هر چه حضور حزب در فضای سیاسی جامعه و در جنبش های اعتراضی بیشتر باشد، هرچه مردم را در سطح سراسری و همینطور در سطح بین المللی بهتر نمایندگی کند، هرچه با چابکی بیشتر نسبت به مسائل عکس العمل نشان بدهد و هرچه موثرتر اهداف و ماهیت ضد مردمی جنبش های ارتجاعی دیگر افشا کند، گفتمان تحزب نیز قدرتمندتر جلو میرود. مردم باید شاهد حضور حزب در عرصه ها و زمینه های مختلف باشند و نقش آنرا در زندگی سیاسی خود ببینند تا به گفتمان آن درمورد تحزب نیز بیشتر توجه کنند.

در کنار فعالیت ماکرو سیاسی تبلیغی و کمپینی حزب فعالین حزب در داخل ایران نقش مهمی بعهده دارند. هیچ چیز جای دیالوگ حضوری با فعالین، بحث و گفتگوی صمیمانه و صبورانه با آنها، دوستی و رفاقت با آنها و جلب اعتماد آنها را نمیگیرد و این اساسا کار فعالین حزب در داخل است.